روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

سه‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۶۱

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع): پیکار با نفس، برترین پیکارهاست.

■ اذان ظهر: ۱۳:۱۰ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۰۱
■ اذان مغرب: ۲۰:۲۰ ■ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۳
■ اذان صبح: ۴:۴۵ ■ طلوع آفتاب: ۶:۱۹

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدا... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

گر تیغ بارد در کوی آن ماه
گردن نهادیم الحکم لله
حافظ

گرینویچ

برش سوسیسی از یک ستاره

پاریس: دانشمندی فرانسوی پس از اینکه مدعی شد یکی از تصاویر تلسکوپ جیمز وب از ستاره‌ای که ۴,۲ سال نوری از ما فاصله دارد «پروکسیما قنطورس» را در توییتر خود منتشر کرده بابت اینکه این تصویر در واقع برشی از یک سوسیس تند بوده، عذرخواهی کرد. به گزارش سی‌ان‌ان، او فقط در توییتر ۹۱هزار دنبال‌کننده داشت. بسیاری از آنها این تصویر شگفت را باور کرده بودند. این فیزیک‌دان که آتین کلاین نام دارد پس از این دروغ یا به قول خودش شوخی علمی مدعی شد مردم باید هنگام برخورد با اطلاعات کیهانی دقیق باشند. به‌گفته او تصاویری از کهکشان‌ها که در واقع با نرم‌افزارهایی همچون فتوشاپ طراحی یا باز طراحی شده‌اند در فضای مجازی تعدادشان روزبه‌روز بیشتر می‌شود. ادعای او در حالی مطرح شد که بسیاری از دانشمندان حوزه اخترشناسی به‌خاطر بازنشر توییت او درفضای مجازی انتقاد کردند و این رفتار را درشان علم ندانستند.

نقشه‌های خوشه‌ای جمعیت

یورکشایر: گونه جدیدی از نقشه‌های جغرافیایی به دانشمندان کمک می‌کند تا به راحتی جمعیت متراکم در شهر و منطقه‌ای را به‌صورت ستونی برجسته روی نقشه مشاهده و محاسبه کنند. به گزارش ایندیپندنت، نقشه‌های سنتی تراکم جمعیت، رنگی اما مسطح‌اند و سخت می‌شود فهمید که یک منطقه در مقایسه با منطقه دیگر چقدر متراکم است. نقشه‌های دکتر ری به تجزیه تراکم جمعیت کمک می‌کنند؛ جایی که هر خوشه در بزرگ‌ترین نقشه دنیا نشان‌دهنده ۲ کیلومترمربع است. درحالی که در نقشه‌های بعدی، هر خوشه یک کیلومترمربع را نشان می‌دهد. جایگیری بزرگ‌ترین خوشه‌های جمعیت به‌طورویژه چشمگیر است. این نقشه‌ها بیشترین تراکم جمعیت را در طول سواحل در سراسر دنیا نشان می‌دهند.

زنان راننده‌های بهتری هستند

نیوکاسل: براساس یک مطالعه جدید، زنان در استفاده از خودروهای بدون راننده از مردان بهترند. محققان دانشگاه نیوکاسل دریافتند زنان سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند، بیشتر کنترل فرمان را در اختیار دارند و درصورت لزوم، بهتر می‌توانند کنترل خودرو را دوباره به‌دست بگیرند. دکتر شو لی، متخصص سیستم‌های حمل‌ونقل هوشمند دانشگاه نیوکاسل، گفت: «زنان اغلب متوجه نیستند که چقدر در رانندگی خوب‌اند اما نتایج ما نشان داد که عملکرد آنها واقعا بهتر است.» برای این مطالعه، ۷۶شرکت‌کننده شامل ۳۳زن و ۴۳مرد با دستگاه شبیه‌سازی رانندگی کردند که برای مشاهده و مقایسه عملکرد افراد، لحظه دوباره به‌دست گرفتن کنترل خودرو بدون راننده را بازسازی می‌کرد. این شبیه‌ساز به شرکت‌کنندگان ۲۰ثانیه فرصت می‌داد تا کنترل خودرو بدون راننده را دوباره به‌دست بگیرند و از تصادف با یک خودرو پارک‌شده بپرهیزند. نتایج نشان داد که زنان در مقایسه با مردان در لحظه به‌دست گرفتن کنترل خودرو، کمتر احتمال دارد هول شوند، کمی سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند و در کنترل فرمان خودرو، عملکرد باثبات‌تری دارند. متوسط زمان لازم برای پس گرفتن کنترل خودرو برای زنان ۲.۴۵ثانیه و برای مردان ۲.۶۳ ثانیه بود.

از خودمان شروع کنیم

عیسی محمدی

وقتی که بحث از توسعه و ادبیات توسعه و جامعه‌شناسی توسعه و شبیه آن می‌شود، یک کلمه بیش از همه خودنمایی می‌کند؛ شخصیت. البته شاید تعجب کنید، چراکه شخصیت را چیزی مرتبط با زندگی روانشناختی آدمی تصور کنید، نه چیزی در حوزه زندگی عمومی و اجتماعی او. اما در اینجا شخصیت، یک ماهیت کنایی پیدا می‌کند؛ یعنی که یک جمع، یک گروه و یک عده، روی هم رفته رفتارهایی دارند که وقتی کنار هم قرار می‌گیرد، می‌توانید از آن برداشت یک شخصیت اجتماعی را داشته باشید. بعدش هم که بحث را ادامه می‌دهند که برای توسعه‌یافتگی و رسیدن به نقطه‌ای قابل اتکا و باثبات از پیشرفت و توسعه، باید که شخصیت خاصی را هم داشته باشیم. حالا این شخصیت چه چیزهایی را شامل می‌شود؟ بحث‌ها اینجا البته به درازا و کمی هم مجادله می‌رسید و می‌کشد...

... اما چیزی که در اینجا قابل کتمان و بحث نیست و تقریبا همه روی آن اتفاق نظر دارند، احترام به حقوق همدیگر است. حالا در این میانه شاید گاهی مواضع اخلاقی وادارمان کند که بله، فلان‌جا با اینکه حق با من است، حالا اگر از حقم بگذرم آسیب چندانی به من وارد نمی‌شود و نتایج بهتری هم دارد. مثل اینکه ۲تا همسایه سر جای پارک دعوای‌شان می‌شود و حالا همسایه‌ای که می‌داند حق با اوست، کمی ماشینش را دورتر پارک می‌کند؛ برای اینکه مجادله و دلخوری را تمام کند و اینکه در نهایت از حق طبیعی خودش به این منظور می‌گذرد؛ چون درک می‌کند حالا اتفاق خاصی نمی‌افتد کمی از حق خودش بگذرد. اما وقتی به حوزه حق و حقوق می‌رسیم، قصه کمی متفاوت می‌شود؛ می‌دانیم که حقوق دیگران و حقوق عمومی آنها بر گردن‌مان سنگینی می‌کند. چه‌بسا حتی قانون هم از این حقوق دفاع کند و حتی مثلا در آن مورد جای پارک هم بتوانیم از طریق این قوانین قانونی، حقمان را بگیریم. اما درنهایت وقتی به برداشتی متمدنانه می‌رسیم که درک کنیم بهترین راه زندگی، این است که من به حقوق تو و تو به حقوق من و ما به حقوق دیگران و همه به حقوق هم احترام بگذاریم. اینجا در واقع به نوعی، داریم میوه آگاهی به‌روزشده‌مان را می‌چینیم و به نوعی ثبات در رفتارهای اجتماعی دست می‌یابیم.

درک چنین نکته‌هایی واقعا ساده و منطقی و عقلانی است و قابلیت توضیح‌دادن به همه را دارد. این، همان نگاهی است که همه از آن نفع می‌بریم و ما را به جاهای خوبی می‌رساند. این همان نگاه و دریافتی است که باعث می‌شود تا حتی از عدم‌جداسازی زباله‌های تر و خشک در منزل جلوگیری کنیم، حتی در مراسم‌های مختلف مراقب باشیم تا محیط عمومی‌مان را صرفا با بی‌خیالی‌مان به آلودگی نکشانیم، مراقب باشیم که حق و حقوق دیگران در عبور از چراغ قرمز و خط عابر پیاده و... را زیر پا نگذاریم. بله، این همان شخصیت توسعه پایدار است که ابتدا باید تک به تک و سپس به‌صورت جمعی در ما ایجاد شود؛ همان شخصیتی که وقتی آن را نزد ملل دیگر می‌بینیم، تقدیر و تحسین می‌کنیم و دوست داریم همه «دیگران» آن را اجرایی کنند؛ اما غالبا خودمان همان تغییری نیستیم که انتظارش را در «دیگران» جست‌وجو می‌کنیم...

اول آخر

تماشای پرواز ■ عکس: همشهری / محمد عباس‌نژاد

تقویم

شکوه شهادت

«چند ساعتی بیشتر به رفتن نمانده است. هر چه به زمان رفتن نزدیک‌تر می‌شوم، قلبم بی‌تاب‌تر می‌شود... نمی‌دانم چه بنویسم و چگونه حس و حالم را بیان کنم. نمی‌دانم چگونه خوشحالی‌ام را بیان کنم و چگونه و با چه زبانی شکر خدای منان را به جای بیاورم.. نمی‌دانم چه شد که سرنوشت مرا به این راه پرعشق رساند. بدون شک شیر حلال مادرم، لقمه حلال پدرم و انتخاب همسرم و خیلی چیزهای دیگر در آن اثر داشته است... عمر بیست شب و روز را به عشق شهادت گذرانده‌ام و همیشه اعتقادم این بوده و هست که با شهادت به بالاترین درجه بندگی می‌رسم. خیلی تلاش کردم که خودم را به این مقام برسانم، اما نمی‌دانم که چقدر توانسته‌ام موفق باشم. چشم امیدم فقط به کرم خداوند و اهل‌بیت(ع) است و بس. امید دارم این روسیاه پرگناه را هم قبول کنند و به این بنده بدپرخطا نظری از سر رحمت بنمایند... که اگر چنین شد؛ الحمدلله رب العالمین.» محسن برای دومین بار به سوریه اعزام می‌شد، در مأموریت اولش بیشتر در حلب و لاذقیه عملیات داشتند. اما این بار قرار بود به نزدیکی مرز با عراق بروند. این دفعه که می‌خواست برود به همسرش گفته بود «زهرا، دعا کن من دوباره سردار را ببینم، می‌خواهم از او بخواهم کاری بکند که من همانجا در سوریه بمانم و تا تمام نشدن جنگ برنگردم ایران.»

■■■

محسن حججی در نجف‌آباد اصفهان متولد شد. ۲۱ساله بود که در نمایشگاه دفاع‌مقدس با زهرا همکار می‌شود و همین آغازی است برای آشنایی و ازدواج. ۲۴فروردین ۹۵نخستین و آخرین فرزند محسن به دنیا می‌آید، اسمش را علی می‌گذارند: «سلام علی آقا، سلام باباجان، سلام پسر گلم، چند کلمه‌ای هم می‌خواستم با تو حرف بزنم، ببخشید که باباجان در سن کودکی رهایت کردم و رفتم... اسمت را گذاشتم علی تا مولا، پیشوا و الگویت علی(ع) شود... می‌خواهم طوری علی‌وار(ع) زندگی کنی که یکی از سربازان امام زمان (عج) شوی...»

■■■

همه‌چیز از ۱۶مرداد سال ۹۶شروع شد، از «التنف»، در عملیاتی در منطقه مرزی بین سوریه و عراق. زمانی که محسن حججی با تنی مجروح در پشت سنگری در کنار اجساد نیمه‌جان تعدادی از هم‌رزمانش آخرین مقاومت‌ها را می‌کند. محسن همان روز اسیر می‌شود. نیروهای داعش تصویری از او منتشر می‌کنند تا به خیال خودشان خط و نشانی کشیده باشند و نشان دهند اگر دستشان به ایران و ایرانی برسد چه می‌کنند؛ اما نتیجه معکوس می‌شود. تصاویر حماسی با آن ترکیب دود و آتش و نگاه استوار اما خسته محسن به دریچه دوربین در حالی که دستانش بسته است، صحنه کربلا را بر هر مخاطب آشنا با تاریخ تداعی می‌کند. ایستادگی و شجاعت محسن حججی کار خودش را می‌کند، توجه‌ها جلب می‌شود و دیگر نه فقط خانواده‌اش، که یک ایران او را می‌شناسند.

■■■

۱۸مرداد ۹۶محسن به آرزویش می‌رسد، تصاویر و خبر شهادتش در فضای مجازی منتشر و بعدا از سوی خبرگزاری‌ها رسما اعلام می‌شود. تصاویر بعدی که به‌صورت محدود انتشار پیدا می‌کند از پیکر بی‌سر و بی‌جان اوست. صفحات مختلف عکس را بازنشر می‌کنند، هنرمندان با افکت‌گذاری و تغییراتی عکس را زیباتر می‌کنند، حسن روح‌الامینی محسن را در آغوش اباعبدالله (ع) به تصویر می‌کشد، شاعران برایش شعر می‌سرایند و آهنگ‌هایی به یاد او ساخته می‌شود؛ رفته رفته شبکه‌های اجتماعی پر می‌شوند از همان عکس معروف و طی همان چند روز اول هشتگ محسن حججی به یکی از داغ‌ترین موضوعات فضای مجازی بدل می‌شود. ارتش لبنان با همکاری حزب‌الله، پیکر شهید حججی را در مقابل اجازه تخلیه امن منطقه مرزی لبنان و سوریه تحویل می‌گیرند و همزمان با عزاداری‌های محرم به ایران بازگردانده می‌شود، در حالی که به آرزوی دیرینه‌اش رسیده است.

عزاخانه

درباره حسینیه شوکتیه بیرجند

شوکتِ سوگ

حمیدرضا محمدی

هم مدرسه است و هم حسینیه. اگرچه امروز وجه آموزشی‌اش چربش بیشتری دارد اما وقتی ۱۲۸سال پیش، در سال ۱۲۷۳ خورشیدی یعنی ۱۲سال پیش از مشروطه ساخته شد، ساخته شد تا جایی باشد برای برگزاری و برپایی آیین سوگواری شهید دشت کربلا(ع).

حسینیه شوکتیه که امروز با نام حسینیه امام رضا(ع) شناخته می‌شود، در مرکز شهر بیرجند و در بافت تاریخی این سامان واقع است؛ در خیابان شهید منتظری.

این حسینیه ۳۱۷۸مترمربعی، از موقوفات امیراسماعیل‌خان معروف به شوکت‌الملک اول است که او در سال ۱۲۶۴ خورشیدی، چون فرزندی نداشت وقف کرد و تولیت آن را به برادرش، محمدابراهیم‌خان شوکت‌الملک عَلَم، مشهور به شوکت‌الملک دوم، حاکم منطقه قائنات، جنوب خراسان و سیستان در اواخر قاجار و اوایل پهلوی و پدر اسدالله علم سپرد. احداث حسینیه توسط معماران یزدی در سال ۱۲۶۹ آغاز شد و ۴سال بعد به پایان رسید اما در ذی‌الحجه ۱۳۲۶ (دی ۱۲۸۷)، مدرسه شوکتیه، ملهم از نخستین مدارس نوین ایران؛ یعنی دارالفنون تهران و رشدیه تبریز ایجاد شد.

این بنای درون‌گرا، ۲قاب گچی دارد که بر آن، مجلس حمله لشکر یزید به سپاهیان امام حسین(ع) تصویر شده است. افزون بر این، شوکتیه موزه‌ای دارد که ازجمله وسایل قدیم‌سال حسینیه که در آن محفوظ است می‌توان به سماورهای زغالی، انواع قهوه‌جوش و ظرف‌های تاریخی و قدیمی پذیرایی در مجالس، عزاداری‌ها و جشن‌ها، تشت‌های بزرگ مسی برای توزیع آب و شربت در گذرگاه‌ها، شمعدان‌ها و انواع چراغ‌های روشنایی و تُنگ‌های مسی اشاره کرد که در آنجا به نمایش گذاشته شده است و البته باید به فرش دستباف ۲۴متری ۸۰ساله‌ای که اکنون گنبدخانه حسینیه را مفروش کرده اشاره کرد که در شرکت فرش شرق بیرجند، نخستین شرکت تولیدی فرش در ایران بافته و به حسینیه اهدا شده است. شاخص‌ترین ویژگی این فرش نقش بته‌جقه مادروفرزند، رنگ‌بندی لاکی با رنگ گیاهی و با کیفیت بسیار بالا و هم‌چنین اندازه آن است.

حسینیه-مدرسه شوکتیه که هنوز هم شوکت یک سده پیش خود را دارد، هرسال از عزاداران حضرت ثارالله(ع) میزبانی می‌کند؛ آنانی که شوق دارند در چنین حال‌وهوایی و چنین بنایی، ماتم‌نشین عزای سرور و سالار شهیدان(ع) باشند.

فراغت‌نامه

تولیدتابستانی

فرشته شیخ الاسلام

برای کنترل مدت و کیفیت استفاده از رسانه‌های تصویری ۳ راه‌حل را شمردیم؛ انتخاب، گفت‌وگو و تولید محتوا.

انتخاب، شامل ملاک‌های هر خانواده و هر فرد می‌شد که باید از کودکی تمرین شود. پس باید کودک از طرفی شاهد انتخاب‌های پدر و مادرش و از طرفی مجاز به انتخاب باشد.

درباره گفت‌وگو، این موضوع مهم است که پدر و مادر باید مهارت داشته باشند که درباره تَرَک دیوار هم بتوانند با کودک‌شان از طریق گفت‌وگو، تعامل کنند. همین رفت و برگشت‌های کلامی ساده، هم موجب تقویت رابطه والد فرزندی می‌شود هم کودک را در شناخت جهان پیرامونش یاری می‌کند. و اما راه‌حل سوم برای کم کردن و قاعده‌مند کردن ساعاتی که فرزند ما جلوی تلویزیون یا کامپیوتر می‌گذراند یعنی تولید محتوا.

واقعیت این است که ما بدون اینکه خبر داشته باشیم به شکل‌های مختلف و به‌طور مداوم در حال تولید محتوا هستیم. از محتوای ناهار تابستان که آب، دوغ، خیار باشد بگیر تا مقدمه‌چینی برای گرفتن مرخصی از اداره یا قصه‌ای که شب برای فرزندمان تعریف می‌کنیم. البته اینکه این محتواهای مختلف تا چه اندازه کاربرد، فایده یا اهمیت دارند، بماند. در حقیقت کودک، بیش از ما مشتاق تولید است. ویژگی کودکی موجب می‌شود که او همیشه به‌دنبال کشف و ساختن باشد. کافی است با دانستن این ویژگی و آماده کردن ذهن خودمان، شرایط اولیه برای فعالیت‌های متنوع را که منجر به هرگونه تولیدی می‌شود، برای فرزندمان فراهم کنیم.

کودک ما به تناسب سنش می‌تواند با همان گوشی که بلای جانش شده، فیلم کوتاه بسازد. می‌تواند با بچه‌های همسایه‌ها در مجتمع یا مسجد محله نمایشگاه نقاشی با موضوعات مختلف برپا کند. می‌تواند با همراهی پدر در باشگاه محل یا زمین خاکی ته کوچه یا پارکینگ، مسابقه فوتبال راه بیندازد. می‌تواند با کمک مادر ترشی فصلی درست کند و به دوست و آشنا یا بقالی محل بفروشد. می‌تواند به تناسب سنش به کودکان کوچک‌تر از خود، در درس‌هایشان کمک کند و اگر روش تدریسش خوب بود حتی به درآمدزایی برسد. تولید محتوا، بسته به نگاه ما طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد. هر محصول یا خدمتی که ارائه شود، می‌تواند بخشی از تولید محتوا باشد. هر چقدر فرزندان ما امکان بیشتری برای تولید داشته باشند، در واقع فرصت بیشتری برای رشد و خلاقیت دارند. البته که حضور کودک پای تلویزیون خیلی راحت‌تر و امن‌تر از این است که مثلاً با دوستانش شربت نذری درست کرده و سر کوچه ایستگاه صلواتی زده‌اند؛ ولی همین انتخاب‌ها و ترجیح‌های ما والدین است که فردای فرزند و شهر و آبادیمان را می‌سازد. به قول استاد عزیزی، توی این دنیا فراغتی وجود ندارد. گول اصطلاحات متداول را نخوریم که هر لحظه فرصت زندگی را باید غنیمت شمرد.

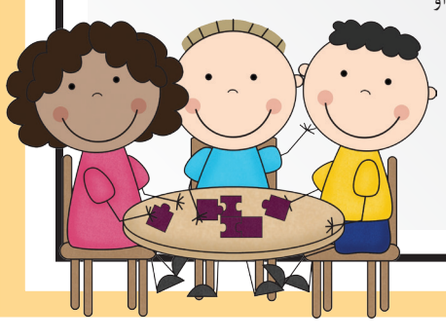

تکیه آخر

فاعتبروا یا اولی الابصار

سیدمحمدرضا واحدی
کارشناس فرهنگی

قرآن کریم در بیش از ۱۰ آیه مردم را به مطالعه سرگذشت پیشینیان و عبرت‌آموزی از سرنوشت آنان دعوت می‌کند. اینکه قرآن در موارد بسیاری به قصص گذشتگان می‌پردازد، دنبال نتیجه‌گیری از آن است نه مسائل بی‌فایده‌ای که نقشی در هدایت انسان ندارد. تاریخ ولادت و وفات و زمان ازدواج و تعداد همسران و فرزندان و... در اصل مطلب نقشی ندارد و لذا در قصص قرآنی ذکری از آنها نمی‌بینیم. مثلا خداوند داستان اصحاب کهف را ذکر می‌کند، اما نسبت به بحث‌های بی‌فایده بر سر مسائل حاشیه‌ای هشدار می‌دهد و به پیامبر(ص) می‌گوید به این اختلافات توجه نکن. این یعنی ذکر داستان آنان دلایل مهم‌تری دارد و برای جهان‌بینی و موضع‌گیری مومنان در مسایل مشابه اهمیت دارد، نه دانستن اینکه چند نفر بوده‌اند و اینکه مثلا ۳۰۹سال خوابیده‌اند یا ۳۱۰سال.

پس آنچه مهم است اصل وقایع برای عبرت‌آموزی از آنهاست. فاعتبروا یا اولی‌الابصار. ابصار به معنای بصر ظاهری و چشم سر نیست. چشم سر را که همه حیوانات دارند؛ منظور قرآن چیزی جز نگاه واقعی به حقایق هستی نیست. بنابر همین مفهوم است که در مورد نابخردان و کافران می‌گوید: عقل دارند اما با آن چیزی درک نمی‌کنند. چشم دارند اما با آن نمی‌بینند و گوش دارند اما با آن چیزی نمی‌شنوند. یعنی حقایق هستی را درک نمی‌کنند و عقل و گوش و چشم‌شان صرفا مادی و حیوانی است. امام علی(ع) در وصیتی به فرزندشان امام حسن مجتبی(ع) فرمودند: حوادث آینده را در پرتو حوادث گذشته و از منظر شباهت‌ها بررسی کن و از آنها درس بگیر تا تکلیف خود را بدانی؛ چرا که حوادث تاریخ مانند یکدیگرند. (به قول امروزی‌ها تاریخ تکرار می‌شود.) حالا اگر از این رهگذر به عاشورا نگاه کنیم، باید آن را مایه عبرت قرار دهیم تا مبادا عاشورای دیگری تکرار شود. باید درک خود را نسبت به دین افزایش دهیم و تشنه فهم آن باشیم تا به قول امام علی(ع) شمشیرمان را براساس بصیرت فرود آوریم؛ وگرنه نمونه عملی شمشیر بی‌بصیرت کشیدن شمر است که در جنگ صفین در رکاب علی(ع) با سپاه معاویه جنگید و جانباز شد؛ اما چند سال بعد در سپاه پسر معاویه، سر پسر علی(ع) را از تن جدا کرد. یکی از عوامل زمینه‌ساز حادثه عاشورا کنار گذاشتن وصایای پیامبر(ص) در رابطه با امامت و رهبری و تفکیک‌ناپذیری آن از قرآن کریم بود. بعد از پیامبر با دسیسه‌پردازی تنها توصیه به کتاب می‌شد: علیکم بکتاب‌الله. نقل حدیث پیامبر ممنوع شد و کارخانه‌های حدیث‌سازی و جعل حدیث در راستای منافع قدرت حاکمه شروع به‌کار کردند. خشونت منتخبان سقیفه بنی‌ساعده و زورگویی و نژادگرایی آنان هم باعث ترس مردم و سکوت آنان و ترک ۲واجب بااهمیت یعنی امر به معروف و نهی از منکر شد. طوری که از همان ابتدا مردمی که در غدیر حاضر و شاهد انتصاب علی(ع) توسط پیامبر(ص) بودند در قبال تصمیمات سقیفه دم برنیاوردند و سکوت کردند. همین بی‌تفاوتی مردم کار را به جایی رساند که چند روز بعد از رحلت پیامبر(ص) دختر دردانه‌اش را زدند و زخمی کردند ولی کسی اعتراضی نکرد. ابوذر را که پیامبر(ص) در موردش فرمود: آسمان بر راستگوتر از او سایه نیفکنده است، به‌خاطر حق‌گویی و راستگویی‌اش شکنجه کردند و کتکش زدند و در نهایت به شام و سپس ربذه تبعید کردند تا در غربت بمیرد و کسی حقایق اسلام را از زبان او نشنود.

ارتجاع بعد از پیامبر(ص) و پشت کردن مردم به آموزه‌های اسلامی آن حضرت، نتیجه این اتفاقات بود که از رهگذر تبلیغات، ادبیات، حدیث‌سازی، شبهه‌افکنی و ایجاد تردید در اعتقادات مسلمانان صورت می‌گرفت. این ارتجاع باعث کاهش فهم دین و قاطی شدن حق و باطل گردید. امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خود را از دست داد و رفته‌رفته موجب افول غیرت دینی مردم و متعاقب آن بی‌علاقگی مردم به فهم دین شد. خب بسیار هم طبیعی است که وقتی مردم درک درستی از دین نداشته باشند و حق را از باطل تشخیص ندهند، افرادی چون معاویه و یزید را هم به جانشینی پیامبر(ص) می‌پذیرند. به‌خاطر همین، امامان شیعه به پیروان خود اصرار داشته‌اند که نسبت به دین‌تان بی‌تفاوت نباشید و دین‌تان را خوب بشناسید تا در کشاکش شبهه‌ها سربلند بیرون بیایید.

این عوامل باعث شد که امت پیامبر(ص) رفته‌رفته به بی‌تفاوتی برسند و ۵۰سال بیشتر از رحلت پیامبر اکرم(ص) نگذشته که فرزندش را با لب تشنه سر ببرند و اسب بر بدنش بتازند. این بی‌تفاوتی نسبت به دین و فراموش کردن امر به معروف و نهی از منکر عامل نابودی امت‌هاست و اختصاصی هم به امت اسلام ندارد. روایت است که خداوند به شعیب فرمود: ۴۰هزار از اشرار قوم تو و ۶۰هزار از نیکان آنها را هلاک خواهم کرد. شعیب پرسید اشرار که تکلیف‌شان معلوم است اما نیکان را چرا؟ وحی شد به‌خاطر آنکه گناه و ظلم اشرار را دیدند و دم برنیاوردند. پیامبر اسلام(ص) فرموده است: امت من همواره در خیر و سعادت به‌سر می‌برند، مگر آنکه امر به معروف و نهی از منکر و همکاری بر خیر و نیکی را ترک کنند. در این صورت برکات از آنها رویگردان می‌گردد و گروهی از خودشان بر بقیه مسلط می‌شوند و کسی در آسمان و زمین به دادشان نخواهد رسید. به‌خاطر همین است که در زیارت عاشورا علاوه بر مباشران و قاتلان اباعبدالله، بی‌تفاوت‌ها را که به این مصیبت بزرگ رضایت دادند و آن را محکوم نکردند لعنت می‌کند: «و لعن‌الله امه سمعت بذلک فرضیت به».

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.